مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۹۱، صفحات ۹۸- ۸۳

فریدریک آگوست ون هایک اقتصاددان لیبرال قرن بیستم

منیره معتمدی[۱]

اگر یک اقتصاددان عامل تجدید حیات علمی و ادبی در قرن بیستم باشد بی‌شک او فردریک هایک است.[۲] فردریک اگوست ون هایک[۳] (۱۹۹۲-۱۸۹۹) از بزرگترین تئوریسین‌های لیبرال کلاسیک قرن بیستم بود، درحالی که جایزه نوبل وی در ۱۹۷۴ در علوم اقتصادی بود، تلاش عالمانه او فراتراز اقتصاد بود. هایک مقالات و کتاب‌های بسیاری در طیفی از موضوعات دارد. ازاقتصاد تا روانشناسی تئوریکی، از فلسفه سیاسی تا انسان‌شناسی و از فلسفه‌علوم تا تاریخ عقاید. این مقاله تلاشی در جهت شناسایی هایک در سطح زندگینامه، رشته‌های تحقیقی، نوشته‌ها، گزیده سخنان و اظهارنظر سایر دانشمندان در خصوص هایک می‌باشد.

۱. زندگینامه

فردریک ون هایک (۱۹۹۲-۱۸۹۹) در اتریش و درخانواده‌ای به لحاظ علمی ممتاز متولد شد. وی اقتصاددان و دانشمند علوم اجتماعی مکتب اتریشی بود و در حقیقت عنصر اصلی و متأخر این مکتب بود. هایک به لحاظ دفاع از اقتصاد سرمایه‌داری و بازار آزاد و تقابل باگرایشات فزاینده به ایده‌های سوسیالیستی درقرن بیستم معروف شد. هایک در دانشگاه وین قانون، روانشناسی واقتصاد را خواند. طی جنگ جهانی اول در ارتش اتریشی– مجارستانی و در خط مقدم ایتالیا خدمت کرد.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. mn_motamedi@yahoo.com

2. The library of Economics and Liberty, the Concise Encyclopedia of Economics, Biography of Friedrich August Hayek (1899-1992).

3. Friedrich August Von Hayek

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

پس از جنگ به وین بازگشت و موفق به اخذ دکترای علوم و قوانین سیاسی از دانشگاه وین شد. سپس به همراه اقتصاددانانی چون گاتفرید[۱]، هابرلر،[۲] مچلوب[۳] و مورگنسترون[۴] و لودویک ون میسز[۵] سمینار خصوصی را تشکیل داد که معادل اتریشی میدان کمبریجی-کینزی بود.

افکار اقتصادی هایک درگرایش‌های اولیه به سوسیالیزم به واسطه کار با لودویک ون میسز طی سال‌های دانشجویی در وین تغییرکرد. وی در سال ۱۹۲۷ مدیر و مجری مؤسسه تازه تأسیس پژوهش در سیکل تجاری شد و میسز را به معاونت اجرایی خود برگزید. وی طی سال‌های (۱۹۲۴- ۱۹۲۳) به عنوان همکار پژوهشی با پروفسور جرمیا جنکس[۶] دردانشگاه نیویورک کار کرد. هایک تا سال ۱۹۳۱ قبل از الحاق به دانشکده اقتصادی لندن، مدیر مؤسسه اتریشی تحقیقات اقتصادی بود. درسال ۱۹۲۹ تئوری "پول وسیکل تجاری" و موضوعی تحت‌عنوان "تناقض پس‌انداز"[۷] را منتشر کرد و پس از آن برای ایراد سخنرانی به مدرسه اقتصادی لندن دعوت شد. این سخنرانی‌ها در سال ۱۹۳۱ تحت‌عنوان قیمت‌ها و تولید چاپ شد. در اوایل دهه ۱۹۳۰ به دانشکده اقتصاد لندن رفت و به عنوان استاد اقتصاد و آمار مشغول بکار شد. وی این موقعیت را تا ۱۸ سال حفظ کرد و به واسطه آن با بی‌میلی نسبت به بازگشت به اتریش پس از ملحق‌شدن به آلمان نازی تبعه بریتانیا شد.

فردریک هایک در لندن کتاب‌های ملی گرایی پولی و ثبات بین‌المللی[۸] (۱۹۳۷)، سودها، بهره و سرمایه‌گذاری[۹](۱۹۳۹)، مسیری به بندگی[۱۰](۱۹۴۴)، فردگرایی و اموراقتصادی[۱۱](۱۹۴۸) را منتشر کرد. در سال ۱۹۴۷ مجمع مونت‌پرلین[۱۲]را تأسیس کرد و اعضاء پیشرو در لیبرالیزم کلاسیک را گرد هم آورد.هایک در سال ۱۹۵۰ استاد سیاست اقتصادی دانشگاه فری‌بورگ[۱۳] و سپس تا سال ۱۹۷۴ استاد اقتصاد دانشگاه سالزبورگ شد. وی و رقیب ایدئولوژیکی‌اش، گونار میردالبطورمشترک جایزه نوبل در علوم اقتصادی را در سال ۱۹۷۴ بردند.

1. Gottfried
2. Haberler
3. Machlup
4. Morgenstern
5. Ludwig Von Mises
6. Jeremiah Jenks
7. The Paradox of Savings
8. Monetary Nationalism and International Stability
9. Profits, Interest and Investment
10. The Road to Serfdom
11. Individualism and Economic Order
12. Mont Pelerine Society
13. Freiburg

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

هایک در این سال به فری‌بورگ بازگشت و تا زمان مرگش درآنجا ماند. طی این دوره مطالعات و آثاری در موضوعات متفاوت داشت که فلسفه سیاست و اقتصاد (۱۹۶۷)، قانون‌گذاری و آزادی (۱۹۷۸-۱۹۷۳)، غیرملی‌کردن پول (۱۹۶۷)، مطالعات جدید در فلسفه، تاریخ عقاید اقتصادی (۱۹۷۸) و خودبینی یا وهم مخرب (۱۹۹۰) از جمله این آثار است. هایک: "آزادی فرصتی برای خوب عمل‌کردن است، اگر فرصتی برای بد عمل‌کردن هم باشد."

۲. فردریک هایک و آزادی اقتصادی

بیشتر کارهای هایک از دهه ۲۰ تا ۳۰ در تئوری سیکل تجاری، تئوری سرمایه و تئوری پولی مکتب اتریشی بود. هایک بین این موضوعات ارتباطی منطقی می‌دید. وی این نظر آدام اسمیت را که "سیستم قیمت‌ها و بازارهای آزاد نقش اصلی در هماهنگی اعمال مردم دارند حتی اگر این تطبیق بخشی ازاهداف اشخاص نباشد" را تأیید کرد. همچنین، دفاع او از لیبرالیزم کلاسیک مدیون انتقاد ادموند برک[1] در مقوله عقل‌گرایی بود.

از نظر هایک بازار یک امر طبیعی و خودکار است که برنامه‌ریزی نشده، اما تحت‌تأثیر عملیات بشر می‌باشد. وی افزایش عرضه پول توسط بانک‌مرکزی را از دلایل شکست بازار برشمرد، زیرا افزایش عرضه پول نرخ‌های بهره را کاهش داده و اعتبار را به طور مصنوعی ارزان می‌سازد. در این شرایط تجار با علائم نادرست قیمت‌ها و بهره سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند، اما سرمایه‌گذاری نامتجانس است چرا که سرمایه‌گذاری بلندمدت به نرخ بهره حساس‌تر است و بیشتر سرمایه‌ها به پروژه‌های بلندمدت سوق می‌یابند. بنابراین، نرخ‌های بهره‌ای که بطور مصنوعی پایین‌آمده‌اند نه تنها باعث سرمایه‌گذاری بطور مصنوعی بالا می‌شوند بلکه باعث سرمایه‌گذاری بد[2] می‌شوند. وی معتقد بود در هر سیکل تجاری بطور طبیعی اوج به حضیض بدل می‌شود و این حضیض یک نوع سلامت در فرایند تعدیل می‌باشد. بنابراین راه اجتناب از آن، اجتناب از اوج‌های مصنوعی است که موجد آن می‌باشند.

هایک در دهه ۳۰ رهبر مخالفین جان مینارد کینز[3] و عقاید نوظهور کینزی شد. هایک و کینز مدل‌های خود را همزمان ارائه کردند و با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا بودند. هایک با کمک چند تئوری از میسز چنین بحث کرد که بحران بزرگ به واسطه تلاش سیستم فدرال رزرو[4] در تثبیت

1. Edmund Burke
2. Mall Investment
3. John Maynard Keynes
4. Federal Reserve System

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

قیمت‌ها وبا دخالت‌های پولی در دهه ۱۹۲۰ ایجاد شده است. وی گفت تنها راه مداوای بحران آنست که به بازار مهلت داده شود تا در مواجهه با تخصیص‌های نادرست نیروی‌کار و سرمایه و اختلال اقتصادی ناشی از مدیریت پولی و اعتباری نادرست تعدیل گردد و بانک‌مرکزی به صورت خودتنظیم عمل کند. وقتی کینز در بیان این موضوع اصرار داشت که علاج بحران، افزایش مخارج دولت، بسط پولی و کنترل فزاینده دولت بر مدیریت سرمایه و مخارج می‌باشد، هایک تأکید کرد که تمرکز کینز بر مفاهیم کلان اقتصادی وضوح تصویری را که در آن قیمت‌ها و هزینه‌ها بیانگر عوامل حقیقی تعیین سرمایه‌گذاری سودآور و فرصت‌های اشتغال می‌باشند مخدوش می‌کند. وی تأکید کرد که انواع سیاست‌های دفاع‌شده توسط کینز دولت را در مسیر سقوط و واژگونی اقتصادی در آینده قرار می‌دهد. اینها تبعات سیاست‌هایی می‌باشند که در حال حاضر و به واسطه اوج مصنوعی ایجاد می‌شوند.

هایک اعتقاد داشت که کارگزاران اقتصادی ایده‌هایی دارند که بعضاً تحقق نمی‌یابد. آینده فرا می‌رسد و سرمایه‌گذاری حقیقی تحقق نمی‌یابد. بهترین راه در این شرایط آن است که تولید مبتنی بر پیش‌بینی تقاضای آینده (تحقق نیافتنی) لغو شود. به تعویق انداختن چنین سرمایه‌گذاری‌هایی عوامل تولید را از کاربردهای غیرسودآور منحرف نموده و در بخش‌هایی با تکنولوژی پویا بکار می‌گیرد. بدون این به تعویق انداختن تولید، کاربرد و اشتغال مجدد منابع میسر نخواهد شد و خلاصه اینکه بحران همان فرایندهای به تعویق انداختن و آماده‌سازی مجدد برای اشتغال مجدد منابع تولید است. هایک سیاست انتخاب بین بحران و عدم بحران را مجاز نمی‌داند، اما انتخاب بین بحران فعلی و بحران بدتر بعدی را مجاز می‌شمرد و اعتقاد دارد که در تورم فزاینده می‌توان بحران را به شکلی ساختگی به شکوفایی تبدیل کرد که نهایتاً منجر به بحران بدتری می‌شود (مانند تجربه اروپای پس از جنگ). بنابراین این نظریه که در بلندمدت بحران بزرگ به داروی خوبی بدل خواهد شد و عاملین سیاست‌های انگیزشی دشمنان رفاه عمومی هستند از هایک می‌باشد.

هایک: "هرگاه لازم شود که از چند دیدگاه متضاد یکی حذف شود،کمترین ضرر آن است که برآورد کنیم کدامیک از حمایت قوی‌تری برخوردار است. پس دموکراسی تنها روش تغییر صلح‌آمیزی است که بشر تاکنون کشف کرده است."

اغلب اقتصاددانان فکر می‌کردند که تئوری عمومی کینز جنگ را برد، اما هایک و سایر اعضای مکتب اتریشی هرگز چنین اعتقادی را نپذیرفتند. هایک اعتقاد داشت که سیاست‌های کینزی برای کاهش بیکاری به طور اجتناب‌ناپذیری موجب تورم شد، چرا که بانک‌مرکزی برای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

کاهش بیکاری عرضه پول را افزایش می‌داد که این امرخود موجد تورم بود. این عقاید هایک که اوایل ۱۹۵۸ بیان شد بعدها توسط مانی‌تریست‌ها [1] مطرح شد.

در اوایل دهه ۱۹۴۰ تئوری هایک به عنوان پیشروی تئوری‌های اقتصادی بسیار مشهور شد، اما پس از جنگ جهانی دوم به واسطه نفوذ فزاینده ایده‌های کینز و همکارانش که دخالت‌های فعال دولت در امور اقتصادی را مطرح کردند، نظریه آزادی اقتصادی هایک تحت‌الشعاع قرار گرفت، به طوری که به دلیل پیدا نکردن شغل در هیچ‌یک ازبخش‌های دانشگاهی اصلی اقتصادی، هایک پروفسور کمیته تفکرات اجتماعی در دانشگاه شیکاگو شد و در سال‌های (۱۹۶۲-۱۹۵۰) درآنجا ماند. در سال ۱۹۶۲ هایک به اروپا رفت و تا سال ۱۹۶۸ به عنوان پرفسور اقتصاد سیاسی در دانشگاه فری‌برگ آلمان مشغول بکار شد، سپس در دانشگاه سالزبورگ [2] در اتریش به تدریس پرداخت و تا ۹ سال بعد یعنی بازنشستگی به این کار ادامه داد.

هایک: بحران‌ها همان فرایندهای به تعویق انداختن و آماده‌سازی مجدد برای اشتغال مجدد منابع تولیدند. از آنجایی که بحران در بلندمدت به داروی خوبی بدل خواهد شد، عاملین سیاست‌های انگیزشی دشمنان رفاه عمومی هستند.

شمار انتشارات هایک در دهه ۷۰ رشد کندی داشت تا اینکه درسال ۱۹۷۴ به همراه گونار میردال جایزه نوبل را برای تئوری‌های پولی و تشریح وابستگی متقابل پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی دریافت کرد. هایک در ضیافت جایزه نوبل با تأکید بر جایزالخطا بودن دانش فردی درباره اقتصاد و ترتیبات اجتماعی توهمات خود را در بهبود ادراک اقتصادی به عنوان یک علم محض در مقابل فیزیک، شیمی و طب بیان کرد. ظاهراً این اتفاق فصل جدیدی در زندگی وی گشود، به طوری که مجدداً شروع به چاپ آثاری در اقتصاد و سیاست کرد.

با وجودی که اغلب مردم با افزایش سن، محافظه‌کارتر می‌شوند هایک تندروتر می‌شد و در حالی که بیشتر عمر خود را با بانک‌مرکزی همکاری داشت، در دهه ۷۰ شروع به جانبداری از جهانی‌شدن یا بین‌المللی شدن و غیرملی شدن پول کرد. وی گفت عاملان بخش‌خصوصی که پول متمایزی چاپ می‌کنند برای دستیابی به قدرت خرید پولشان انگیزه دارند و مشتریان می‌توانند از بین این پول‌های رقیب انتخاب کنند. با تخریب سیستم اروپای شرقی بسیاری از اقتصاددانان به سیستم هایک به عنوان جایگزین مناسب برای پول ملی با نرخ ثابت روی آوردند.

1. Monetarists
2. Salzburg

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

هایک: "نگرش اکثریت بعضاً با برخی فرایندهای دانش ما در تضاد است. در طی زمان و در فرایندی که این نگرش شکل می‌گیرد بسیار محتمل است که هر نگرشی یک نگرش غالب بشود، اما تا زمانی که حمایت کافی از نگرش برتر ایجاد نشود نگرش غالب نگرش اکثریت است.

هایک در کتاب کاربرد دانش در اجتماع (۱۹۴۵) ادعا کرد که مکانیزم قیمت‌ها اطلاعات و دانش شخصی و عمومی را مطابقت داده و اعضای جامعه را مجاز می‌سازد تا متضاد عمل کنند و نتایج پیچیده به لحاظ اصل سازماندهی خودکار ایجاد نمایند. هایک مکانیزم قیمت را در جایگاهی مانند زبان قرار داد که با دخالت آگاهانه‌ای توسط اشخاص طراحی نشده است، بلکه امری بدیهی و خودکار است که از فعالیت بشری ناشی می‌شود اما طراحی بشر نمی‌باشد.

۳. هایک و سوسیالیزم: مسیری به سوی بندگی

هایک در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ به مبحث عملکرد برنامه‌ریزی اجتماعی گرایش یافت. هایک گفت برنامه‌ریزی اجتماعی در صورتی عمل می‌کند که داده‌های برنامه‌ریزان اطلاعات تخصیص همزمان منابع را منعکس کند، اما چنین نمی‌شود چرا که دانش افراد از فرصت‌های بالقوه بکارگیری منابع متفاوت است و برنامه‌ریزی مرکزی مجموعه این اطلاعات (و بنابراین داده‌ها) را بطور همزمان نخواهد داشت. هایک گفت که بازار آزاد بیشترین امکان برای استفاده مردم از اطلاعات شخصی را فراهم می‌سازد و این فرایند بازار است که داده‌ها را ایجاد می‌کند. امروزه اغلب اقتصاددانان و حتی بسیاری از اقتصاددانان سوسیالیست این ایده را قبول دارند. وی به گفته جفری ساکس[1] از اقتصاددانان دانشگاه هاروارد استناد می‌کند که اگر از یک اقتصاددان بپرسید که محل مناسب برای سرمایه‌گذاری کجاست، محلی که صنایع رشد می‌کنند و تخصص‌گرایی تحقق پذیرفته است پاسخ دقیقی نخواهد داشت. اقتصاددانان اطلاعات کل روی زمین را که تجار دارند جمع‌آوری نکرده‌اند. بنابراین هر زمان از من سؤال شود که ما چه چیزهایی قادریم تولید کنیم؟ خواهم گفت: نمی‌دانم.

هایک در سال ۱۹۴۴ به شیوه‌ای متفاوت به سوسیالیسم حمله کرد. وی کتاب "مسیری به سوی بندگی" را نوشت تا هموطنان و همقطاران بریتانیایی خود را از سوسیالیسم برحذر دارد و در آن اینطور بحث کرد که کنترل دولتی بر زندگی اقتصادی ما منجر به توتالیتاریانیسم[2] می‌شود، چرا که برنامه‌ریزی مرکزی منحصر به بخش اقتصادی بوده و ناگزیر زندگی اجتماعی را نیز متأثر خواهد ساخت و منجر به کنترل کامل دولت بر تمام شئون زندگی انسان‌ها می‌شود. در اقتصاد با برنامه‌ریزی متمرکز فرد یا گروهی

1. Jeffrey Saks
2. Totalitarianism

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

از افراد باید تخصیص منابع را تعیین کنند، اما برای اینکه برنامه‌ریزان اطلاعات کافی برای این تخصیص کارا در اختیار داشته باشند تضمینی وجود ندارد.

کتاب سیری به سوی بندگی که هایک برای بریتانیایی‌ها نوشته بود در آمریکا نیز فروش زیادی کرد. هایک با نوشتن این کتاب خود را یک رهبر لیبرال کلاسیک معرفی کرد. مکتبی که درحال حاضر لیبرالیزم یا مدافع بازار آزاد نامیده می‌شود.

هایک در سن ۸۹ سالگی در کتابی تحت عنوان "خودبینی و اوهام مخرب" بینش عمیقی را برای توضیح جاذبه‌های معنوی سوسیالیسم پی‌ریزی کرد و سپس اصول آنها را رد کرد. وی در انتقاد به سوسیالیسم گفت "سوسیالیسم در میان کارگزاران دولتی باید قواعدی مکانیکی طراحی نماید تا سرمایه‌گذاری در جایی که انتظار می‌رود بازدهی فراتر از نرخ بازاری بهره به اضافه یک صرف ریسک داشته باشد صورت پذیرد، اما اطمینان به عملکرد درست مدیرانی با ایده‌های کاملاً متفاوت در تکنیک تولید وجود ندارد."

هایک اعتقاد داشت منافع بازار را می‌توان با وجود یک بخش دولتی بزرگ و ایده‌ای مناسب برای توزیع مجدد تأمین کرد اما نمی‌توان از سرمایه‌داری به شکل موردنظر تئوریسین‌ها جدا و تفکیک نمود.

هایک درسال ۱۹۴۷ به همراه میلتون فریدمن[1]، استگلیتز[2] و دیگران مجمع مونت پرلین[3] را ایجاد کرد و رهبر سازماندهی آن شد. مجمعی که لیبرال کلاسیک‌ها هر دو سال یکبار در آن ملاقات و تبادل نظر می‌کردند. اینها گروهی از لیبرال کلاسیک‌ها بودند که به رهبری هایک سعی داشتند آنچه را سوسیالیسم نامیده می‌شود نقد و بررسی نمایند. تلاشی که طی چند دهه اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرد.

هایک اعتقاد داشت حرکت به سوی سازماندهی زندگی اقتصادی توسط دولت در دنیای غرب به انتها رسیده و قرن سوسیالیسم پایان یافته است. بنابراین، دفاع از سیاست‌هایی که در بلندمدت با جامعه آزاد سازگاری ندارد چندان دوام نخواهد یافت. مهم‌ترین تغییری که کنترل وسیع دولتی ایجاد می‌کند تغییر روانشناسی است. از آنجایی که فرایند تعدیل و اصلاح در شخصیت مردم مستلزم اموری تدریجی است طی سال‌های محدود تکمیل نمی‌شود و بلکه طی یک یا دو نسل محقق خواهد شد.

1. Milton Fridman
2. Stieglitz
3. Mont Pelerine Society

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

٤. هایک و محافظه‌کاری

هایک پس از انزوای دانشگاهی او در اثر جولان‌هایش نظرش به سمت ظهور دولت‌های ضد چپی در ایالات متحده و پادشاهی بریتانیا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جلب شد. مارگارت تاچر[1] نخست‌وزیر انگلستان (۱۹۹۰-۱۹۷۹) یک فدایی و مخلص بی‌پرده نوشته‌های هایک بود. وقتی تاچر رهبر بخش محافظه‌کار شد، هایک کتابی درباره بنای آزادی نوشت که تاچردرباره آن گفته است: "این همان چیزی است که ما باور داریم."

هایک کتابی به نام "چرا من یک محافظه کار نیستم" نوشت که شامل ضمیمه‌ای درباره بنای آزادی است و در آن محافظه‌کاری را به دلیل ناتوانی در تطبیق تغییرات واقعی بشری یا ارائه برنامه سیاسی مثبت رد کرد. انتقاد وی بیشتر متوجه محافظه‌کاری اروپایی بود که اغلب در مقابل سرمایه‌داری به عنوان یک عامل ثبات اجتماعی و ارزش‌های سنتی قرار داشت. به عبارت دیگر، هایک عامل حذف یا انزوای سنت محافظه‌کاری آمریکایی در تفکر سیاسی اقتصادی بود.

هایک در کتاب "چرا من یک محافظه‌کار نیستم" لیبرالیسم کلاسیک خود را از محافظه‌کاری تفکیک کرد و در رد محافظه‌کاری گفت: محافظه‌کاری در تضاد با جهان وطنی است و مستعد و متمایل به ملی‌گرایی می‌باشد."

هایک در سال ۱۹۵۰ و پس از انزوای دانشگاهی، پروفسوراجتماعی و علوم اخلاقی دانشگاه شیکاگو شد و تا سال ۱۹۶۲ در آنجا ماند. وی طی این دوره در زمینه‌های روش‌شناسی، روانشناسی و تئوری سیاسی کار کرد. در روش‌شناسی به علم‌گرایی یا تقلید در علوم اجتماعی و علوم فیزیک حمله کرد. بحث او این بود که چون موضوع علوم اجتماعی (شامل اقتصاد) مردم و نه اشیاء می‌باشند می‌بایست با فرایندهای انسانی مطالعه شوند.[2] هایک می‌گفت علوم‌اجتماعی بیش از پیش باید در فرایندهای انسانی اندیشه کنند و کتاب "در تقابل با انقلاب علوم" را نوشت. این ایده که دولت می‌بایست توسط آراء غالب و اکثریت اداره شود تنها در صورتی قابل درک است که آن آراء مستقل از دولت باشد.

هایک در تئوری سیاسی کتاب"بنای آزادی"[3] را درباره نقش مناسب دولت نوشت و در اصول آزادی و مبانی طرح‌های سیاسی بحث کرد. در زمینه روانشناسی کتاب "یک بررسی در مبنای روانشناسی تئوریکی" را نوشت. همچنین در سال ۱۹۵۲ در کتاب"امور حسی"[4] بطور مستقل

1. Margaret Thatcher

۲. در دهه ۱۸۷۰ مکتب اتریشی نشان داده بود که ارزش یک موضوع تنها از قابلیت آن درتکمیل فرایند انسانی مشتق می‌شود.

3. Constitution of Liberty

4. The Sensory Order

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

از کار سیناپس‌های هبی[1] فروض ارتباطی را ارائه کرد که مبنای تئوریکی شبکه‌های عصبی و روانشناسی عصبی در علوم مدرن می‌باشند. پس از مرگ هایک و به پاس خدماتش در دانشگاه‌های محل تدریس وی یک گروه دانشجویی به نام جامعه هایک ایجاد شد.

۵. نقل‌قول‌هایی از هایک

من به این نتیجه آشکار رسیده‌ام که غفلت اقتصاددانان در بحث جدی سمت‌گیری از سؤالات علمی محض به سؤالات ارزشی حقیقتاً مشکل حیاتی زمان ماست. این عقیده جنبه دیگری نیز دارد بدین صورت که اگر آنان فکر کنند سؤالاتشان علمی نیست می‌پذیرند که علم آنها منسوخ شده است. بنابراین در چرخه آکادمیکی موقعیت‌های نجوم و طالع‌بینی را اشغال می‌کنند و نه جایگاهی شایسته برای بحث‌های علمی. به نظر من سوسیالیست‌ها تنها به واسطه طرح تفاوت‌های اصولی در جنبه‌های اخلاقی و بیان ناتوانی برخی علوم در تصمیم‌سازی‌ها می‌توانند موقعیت خود در اقتصاد را حفظ کنند.

از پیدایش علوم مدرن تاکنون بهترین ایده‌ها بیانگر آن بوده‌اند که محدوده نادانسته‌های تصدیق شده با پیشرفت علوم رشد می‌کند، اما متأسفانه اثر معمول پیشرفت‌های علمی و عقیده مشترک دانشمندان آن است که محدوده نادانسته‌های ما کاهنده است پس می‌توان هدف را کنترل حساب شده‌ای بر تمام فعالیت‌های بشری قرار داد. این طرز فکر بیانگر آنست که اغلب آنان که با پیشرفت علم و دانش از خود بی‌خود می‌شوند تبدیل به دشمنان آزادی می‌شوند.

در مقایسه با حکمیت دانش که به طور مداوم در تکامل پویای تمدن بکارگرفته می‌شود تفاوت بین دانشی که افراد داناتر بکار می‌گیرند و آنچه افراد نادان به آن استناد می‌کنند بالنسبه بی‌معنا است.

عدالت، آزادی و زور مفاهیمی هستند که به روشنی باید منحصر به رفتار سنجیده یک شخص با دیگران باشند.

این ایده که دولت می‌بایست توسط آراء غالب و اکثریت اداره شود تنها در صورتی قابل درک است که آن آراء مستقل از دولت باشد. مفهوم دموکراسی بر این نگرش واقعی مبتنی است که دولت بطور مستقیم از یک فرایند مستقل ظهور و نمود می‌یابد و نیازمند وجود یک فضای بزرگ مستقل است، فضایی که در آن ایده‌های افراد شکل می‌گیرند.

متأسفانه اثر معمول پیشرفت‌های علمی و عقیده مشترک دانشمندان آن است که محدوده نادانسته‌های ما کاهنده است، بنابراین هدف را می‌توان کنترل حساب شده‌ای بر تمام فعالیت‌های

1. Hebbian Synapse

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

بشری قرار داد. بنابراین اغلب آنان که با پیشرفت علم و دانش از خود بی‌خود می‌شوند تبدیل به دشمنان آزادی می‌شوند. آنچه که یک جامعه آزاد به افراد می‌دهد، بسیار بیش از آن چیزی است که افراد به تنهایی قادر بودند انجام دهند حتی اگر آزاد بودند.

ایده‌های بشر نمی‌تواند پیش‌بینی کند و به شکل سنجیده‌ای آینده خود را شکل دهد، بلکه پیشرفت‌های بشری تنها شامل یافتن این حقیقت است که کدامیک از ایده‌های پیشین نادرست بوده‌اند.

جامعه‌ای که ارزش‌های افراد را شناسایی نکند نمی‌تواند برای شأن افراد حقی قائل شود و بنابراین جامعه آزاد محسوب نمی‌شود. اگر ما خواهان حفظ یک جامعه آزاد باشیم می‌بایست بدانیم که مطلوبیت یک هدف خاص، بکارگیری زور را تصدیق و تأیید نمی‌کند.

تمدن ما را قادر می‌سازد تا از دانشی که خود کسب نکرده‌ایم بهره‌مند شویم. همچنین، استفاده هر فرد ازدانش‌های خاص دیگران به عنوان اعضای جامعه مدنی کمکی است به کشف ناشناخته‌هایش بسیار موفقیت‌آمیزتر از آنچه که خود به تنهایی می‌توانست به دست آورد.

بهره‌مندی از نگرش غالب برای سیاستمدار تناقضی در رفتار او ایجاد می‌کند، چرا که وظیفه او در دموکراسی پیداکردن نگرش اکثریت است و نه بها دادن به ایده جدیدی که شاید در آینده ایده برتر بشود.

آزادی با سازماندهی که از قوی‌ترین ابزارهای بشری است در تقابل نمی‌باشد، بلکه در تقابل با سازمان‌های انحصاری مستثنی‌کننده و ممتازکننده است. آزادی در تقابل با بکارگیری زور و ممانعت از عملکرد بهتر می‌باشد.

ضعف ذاتی تئوری‌های مالکیت اشتراکی تناقض عجیبی بین این دو ادعاست، نخست اینکه فواید حاصل از این نوع مالکیت بیش از مجموع منافع همه افراد است. دوم اینکه برمبنای تز طرفداران این نظریه ماهیت برتر ذکر شده می‌بایست با کنترل هوشیارانه‌ای تضمین شود، کنترلی که نهایتاً الهام گرفته از یک اندیشه برتر فردی است. بنابراین، در عمل مالکیت اشتراکی تئوریکی دلایل فردی را ستایش می‌کند و اینکه نیروهای جامعه در جهت یک فکر برتر بسیج شوند را تصدیق می‌کند.این تفکر برتر مبین فردگرایی است و محدودیت‌ها و دلایل فردی را لحاظ می‌نماید و از آزادی خود به عنوان وسیله‌ای برای توسعه و تکامل نیروها و فرایندهای بین افراد دفاع می‌نماید.

اغلب مباحث تئوریکی در نوشته‌ها طوری منعکس می‌شوند که تفاوت ایده‌ها را بیان می‌دارند، اما حضور فضای معنوی در تمام زمان‌ها توسط نگرش‌هایی ایجاد می‌شوند که مکاتب متضاد در آنها توافق دارند. آنها فروض و پیش‌فرضهایی بدون قید و شرط و بی‌سؤال و ابهامی هستند که مبنای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

سایر اصول در پیشبرد بحث‌ها می‌باشند. اقتصاد و دانش کتابی است که نگاه جدید مرا به مسائل نشان می‌دهد و نقطه شروع در نگاه متفاوت من به مسائل می‌باشد.

قدرت یک سیاستمدار موفق مرهون چارچوب پذیرفته شده‌ای است که وی در آن تفکر و صحبت می‌کند، حرکت می‌کند و پیش می‌رود. بهره‌مندی از این نگرش غالب تناقضی در رفتار سیاستمدار ایجاد می‌کند، چرا که وظیفه وی در شرایط دموکراتیک، یافتن نگرش اکثریت است و نه بهادادن به ایده جدیدی که شاید در آینده ایده برتر بشود.

٦. هایک از نظر اقتصاددانان

– هربرت سیمون[1] (استاد اقتصاد و روش‌شناسی دانشگاه استانفورد): "هیچ کس مکانیزم بازار را به خوبی فردریک هایک تشریح نکرده است."

– لارنس سامرز[2] (خزانه‌داری آمریکا، برنده جایزه نوبل): "مهم‌ترین مطلبی که امروز از درس اقتصاد می‌توان آموخت چیست؟ آنچه من سعی کرده‌ام به دانشجویان خود تفهیم کنم آن است که دست نامرئی بسیار نیرومندتر از دست پنهان عمل می‌کند و حوادث یا پدیده‌ها به بهترین مشکل بدون جهت‌دهی،کنترل و برنامه رخ می‌دهند. این چیزی است که مورد توافق اقتصاددانان است و میراثی گرانبها از فردریک هایک می‌باشد."

– ورنون اسمیت[3]، (استاد اقتصاد دانشگاه آریزونا، برنده جایزه نوبل در اقتصاد): "به عقیده من هایک متفکر اقتصادی پیشروی قرن بیستم است".

– فریتز مچلوپ[4] (استاد اقتصاد دانشگاه پرینتول): "یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ایده‌های هایک نقش تقسیم علوم (یا تجزیه علوم) در جامعه اقتصادی بود. زمانی که کتاب "تئوری خالص سرمایه" هایک را خواندم با توجه به علاقه‌مندی من به تئوری سرمایه، نافذترین ایده‌ها را در آن یافتم. اگر از کار دیگری به عنوان کار بزرگ او بتوان نام برد من نقش هایک در تئوری برنامه اقتصادی را انتخاب می‌کنم. تمام آنچه در تحلیل سیستم‌ها نوشته شده است، فرایند داده‌های کامپیوتری، فرایندهای شبیه‌سازی بازار و سایر روش‌های شبیه‌سازی بدون مساعدت بازارهای رقابتی در مقابل تحلیل‌های هایک از "تقسیم و تجزیه دانش" اموری سطحی و کم‌عمق می‌نماید و در واقع تمام موارد فوق شعاع‌هایی از تحلیل‌های هایک می‌باشند. در کشورهای سوسیالیستی اغلب برنامه‌ریزان

1. Herbert Simon
2. Lawrence Summers
3. Vernon Smith
4. Fritz Machlup

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

امروزه به این امر واقفند که عدم تمرکز فزاینده‌ای برای حل مشکلات اقتصادی در برنامه‌ریزی عقلایی اقتصادی لازم می‌نماید."

– تام پیترز[1]: "بدون شک فردریک هایک از مؤثرترین اقتصاددانان این قرن است".

– جرالد ادلمن [2] (متخصص اعصاب برنده نوبل در روانشناسی و داروسازی): "باید بگویم که مطالعه کتاب هایک[3] در امور حسی چنان تأثیر عمیقی در من گذاشت که تا زمان نوشتن مقاله من در مورد تئوری انتخاب گروه تأثیر آن پابرجا بود. من مطالعه این کتاب را اکیداً توصیه می‌کنم و تفکر عمیق در خصوص مردی که دانش را تنها به خاطر خودش مورد توجه و تمرکز قرار داد. آنچه مرا بیشتر متأثر ساخت این ایده اوست که کلید حل مشکل تشخیص، درک ماهیت و طبیعت طبقه‌بندی است و متخصصان طبقه‌بندی مدت‌هاست با این مشکل در منازعه و کشمکش هستند و فردریک ون‌هایک آن را با ادراک عمیق‌تری مورد توجه قرار داد. هایک به کمک روانشناسی به نام دونالد هب[4] ایده‌ای را ارائه داد که از انواع برخوردها و پدیده‌ها در دنیا، سیستم حسی با اتفاق متناظر بین یک سلول خاصی در مغز و با سلول‌های نظیر، اطلاعات را از دنیای برون به داخل آن منطقه خاص که به نام سیناپس هبی شناخته شده است، منتقل می‌کند اما فردریک ون هایک بطور مستقل در این ایده سهیم بود و اساس تحلیل‌های او همیشه با من است. گام بعدی من در دارونیسیم طبیعی آن است که نشان دهم، درک هایک از تحول ساختاری و عمومیت بخشیدن به ایده تفاوت بین حواس و امور فیزیکی عمیق و نافذ بود. تا به حال مدل‌های زیادی توسط هب[5] هایک وکنت[6] (۱۹۸۱) در این زمینه ارائه شده‌اند.

هب با ارائه یک مدل همبستگی تعدیل سیناپس اثر بر سطح سیناپس شبکه عصبی را نشان داد. این کار مشابه کار هایدر در سال ۱۹۵۲ و همچنین نطفه و سرآغازی در تدارک مبنایی برای بسیاری از مطالعات تئوریکی بعدی بود.

– کارل پوپر[7] (فیلسوف L.S.E) خطاب به هایک: "فکر می‌کنم من خیلی بیش از سایر متفکران از شما آموختم".

1. Tom Peters
2. Gerald Edelman
3. The Sensory Of Order
4. Donald Hebb
5. Hebb 1949
6. Kenet 1981
7. Kark Popper

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

– پیتر دروکر[1] (تحلیلگر جهانی امور مدیریت تجاری در مؤسسات اجتماعی اقتصادی): کتاب وهم مخرب[2] کاملاً از نظریات اخیر که هایک از اقتصاددانان و فلاسفه اجتماعی برجسته زمان ماست، حمایت می‌کند.

– جولیان سیمون [3](استاد برجسته اقتصاد جمعیت و منابع دانشگاه مری‌لند[4]): "فردریک هایک که در ۲۳ مارچ ۱۹۹۲ در سن ۹۲ سالگی مرد، بدون شک بزرگترین اقتصاددان اجتماعی قرن بیستم بود. در زمان مرگش روش تفکر عمیق او سیستم جان مینارد کینز (رقیب اصلی معاصرش) را در نبرد از میدان به در کرد."

– داگلاس نورث[5] (استاد اقتصاد ایالت واشنگتن، برنده جایزه نوبل اقتصاد): وی در رابطه با امور اجتماعی به نقل از فوکویاما می‌نویسد: "مطالعه سیستماتیک در چگونگی امور و سرمایه اجتماعی که می‌تواند به روش خودکار و غیرمتمرکز ایجاد شود از مهم‌ترین اشکالات توسعه در اواخر قرن بیستم بوده است" و به درستی اصول مدرن این مباحث را به فردریک هایک نسبت می‌دهد، شخصی که در مطالعه در علوم پایه و سیر تکامل فرهنگی و پویایی‌های تغییرات اجتماعی پیشقدم بود و بدین لحاظ جلودار و پیشرو در صف خلاق‌ترین عالمان قرن بیستم بود."

– میلتون فریدمن (اقتصاددان برجسته ایالت شیکاگو، برنده جایزه نوبل اقتصاد): "من فکر می‌کنم که در این دوران نقش آدام اسمیت را هایک درکتاب "راهی به سوی بندگی" ایفا می‌کند که درباره اغتشاش در سوسیالیسم قرن بیستم، ایده بازارهای آزاد و اتفاقات خاص و تغییرات اساسی در رویکردهای سیاسی اجتماعی کشورهای دنیا می‌باشد. هیچ اصلی به اندازه نظریه هایک به عنوان منبع ادراک این مسائل مطرح نمی‌باشد. من هم مانند دیگران بسیار به او مقروضم، ذهن قوی و تفسیرهای روشن او به عمق درک من از مسائل و معانی و الزامات یک جامعه آزاد کمک بسیاری کرده است. علاقه من به سیاست عمومی و فلاسفه سیاسی معلول علتی بود مربوط به زمان قبل از ملحق شدن به دانشکده دانشگاه شیکاگو و بحث غیررسمی با دانشگاهیان و دوستان، انگیزه و تحریکی که توسط فردریک هایک و کتاب قوی او ـ مسیری به سوی بندگی ـ تقویت و تهیج شد و همچنین در اولین گردهمایی ـ مونت پرلین ـ در ۱۹۴۷ و بحث‌هایی که با هایک پس از عضویت او

1. Peter Drucker
2. The Fatal Conceit
3. Julian Simon
4. Maryland
5. Douglass North

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در دانشکده در ۱۹۵۰داشتم. بعلاوه، هایک توان خارق‌العاده‌ای در جذب گروه دانشجویانی داشت که به ایدئولوژی آزادگرا و لیبرال گرایش داشتند."

– مارگارت تاچر[1](نخست‌وزیر انگلستان (۱۹۹۰-۱۹۷۹): "آدام اسمیت بزرگترین مفسر اقتصاد آزاد قبل از هایک و فریدمن بود. قوی‌ترین انتقادی که به برنامه سوسیالیسم و دولت‌های سوسیالیستی تا به حال خوانده‌ام و بارها به آن رجوع کرده‌ام کتاب مسیری به سوی بندگی هایک می‌باشد."

– جان هیکس[2] (استاد اقتصاد دانشگاه آکسفورد برنده جایزه نوبل اقتصاد): "من از کینز آغاز نکرده‌ام، بلکه از پارتو و هایک شروع کرده‌ام. هایک ما را وادار به تفکر درباره فرایندهای بهره‌ور کرد. طی سال‌های (۱۹۳۵-۱۹۳۱) که من تنها یک عضو شرکت‌کننده در سمینار هایک در لندن بودم اثرات عمیقی در تفکر من ایجاد شد. تحت‌تأثیر هایک بود که کارهای من به نام کارهای مؤثر هیکسی در موضوع‌های تعادل بین دوره‌ای، تئوری پول و فرایند سیکل تجاری، ارائه شد."

– آرمن آلچیان[3] (استاد اقتصاد دانشگاه UCLA) خطاب به هایک: "دو چیز که شما نوشته‌اید اثر خاصی روی من پس از نظریه قیمت و تولید داشته یکی "فردگرایی و امور اقتصادی" و دیگری "کاربرد دانش در اجتماع (یا اقتصاد و دانش)"می‌باشد. این دو از بهترین نوشته‌های شما بوده و تأثیر بسزایی در من داشته‌اند".

۷. جمع‌بندی

فریدریک ون هایک یکی از بزرگترین اقتصاددانان و فلاسفه سیاسی قرن بیستم بود. پس از لودویک میسز او راهنمای مکتب اتریشی طی ۶ دهه گذشته ویکی از بزرگترین مدافعان آزادی اقتصادی طی ۲۰۰ سال گذشته بود. هایک یک فاضل تربیت‌شده در هر یک از این رشته‌های تحقیقی بود. وی مقالات علمی وکتاب‌های بسیار در طیفی از موضوعات نوشت. هایک نقش و سهم اساسی در درک عمیق در حداقل سه زمینه اساسی داشت: آزادی اقتصادی، دخالت دولت و برنامه‌ریزی اقتصادی تحت سوسیالیسم و توسعه ساختار اجتماعی. همچنین، هایک نقش و سهم اساسی در بسط تئوری سیاسی، روانشناسی و اقتصاد داشت. دانش وی در چنین محدوده وسیعی از علوم تاکنون کم‌نظیر و بی‌سابقه بوده است.

معمولاً نظریه‌های قدیمی‌تر با بسط تئوری‌ها زایل و کمرنگ می‌شوند، اما بسیاری از نظریه‌های هایک چنان بدیع است که پس از گذشت چندین دهه مردم همچنان آنها را می‌خوانند. با وجود آنکه ایده‌ها و نوشته‌های هایک در تئوری پولی اتریشی و سیکل تجاری طی دوره غلبه عقاید

1. Margart Thatcher
2. John Hicks
3. Armen Alchian

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

کینزی در اقتصاد تقریباً به فراموشی سپرده شد، دنیا سرانجام با کمک همان ایده‌ها وعقاید وظیفه شورش بر علیه مسیری به سوی بندگی را به سرمنزل مقصود رساند.

منابع

Boettke.Peter J. & Friedrich, A. Hayek (1899-1992), Available Online at: www.thefreemanonline.org.

Ebenstein, Alan (2001)," Friedrich Hayek: A Biography", New York: St. Martin Press, Available Online at: http//mises.org/about/3234 .

Edelman, Keynes, Popper, Thatcher, Summers, etc, "Quotes on Friedrich Hayek", Available Online at: http://hayekcenter.org/friedrichhayek/hayekquote.htm.

Freedom's Nest Quotes, "Quotes from F.A Hayek (Books by F.A Hayek)", Available Online at: www.joetsang.net.

Peter G. Klein, "Biography of F. A. Hayek (1899-1992)", Available Online at: http://mises.org/page/1454.

Richard M. Ebeling," The Freeman: Ideas on Liberty , "November,
Available Online at (2004): www.thefreemanonline.org.

Richard M. Ebeling (1992), "Up from Serfdom: Friedrich A. Hayek and the Defense of Liberty",The FreedomDailyAugust. AvailableOnlineat: http://www.fff.org/freedom/0892b.asp.

The library of Economics and Liberty, "The Concise Encyclopedia of Economics "Friedrich August Hayek (1899-1992)", Available Online at: www.econlib.org/library/Enc/bios/Hayek.html.

Wikipedia, The Free Encyclopedia, "Friedrich Hayek ", Available Online at: http://en.wikipedia.org/wiki/Friedrich_A._Hayek.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]